

# تحول فقر در استان ایلام طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه: با تأکید بر آثار سیاست هدفمندی یارانه‌ها

باقر درویشی\* و فرشته محمدیان\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	شماره صفحه: ۳۰۵-۲۷۳
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

هدف این مقاله بررسی فقر در چهار حوزه وسعت، توزیع، شدت و سیاستگذاری در مناطق شهری و روستایی استان ایلام است. در این پژوهش با به‌کارگیری داده‌های هزینه و درآمد خانوارها، شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر، کشش فقر، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان فقر طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه برآورد شدند. نتایج نشان می‌دهد که تغییرات ساختاری ایجاد شده در برنامه‌های چهارم و پنجم متفاوت از برنامه‌های قبل است به‌عنوان مثال برای اولین بار میزان فقر مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری شده و تنها در این دوره در هر دو منطقه جغرافیایی فقر افزایش یافته است. بررسی فقر سرشمار براساس مشخصه‌های خانوارها نشان می‌دهد که بعد از هدفمندی نه تنها وضعیت رفاهی هیچ گروهی از خانوارها بهبود نیافته، بلکه خانوارهای غیرآسیب‌پذیر نیز آسیب‌پذیر شده‌اند. در مورد سیاستگذاری کاهش فقر، میزان اثرگذاری رشد بر فقر در مناطق روستایی بیش از ۱/۵ برابر مناطق شهری است و اندازه‌گیری مدت زمان فقر نشان می‌دهد که خانوارهای با شکاف فقر حداکثری را تنها با نرخ‌های رشد ۱۲ درصدی در دوره ۱۰ ساله می‌توان از فقر رهایی بخشید. براساس نتایج شاخص هدفمندسازی ثابت سرانه حتی با دوبرابر کردن یارانه‌ها همچنان ۳۶ و ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی و شهری فقیر خواهند بود. بنابراین با ادامه سیاست‌های کنونی امکان تعدیل فقر وجود ندارد و رفع آن نیازمند حمایت‌های اجتماعی گسترده‌تری است که مستلزم بازنگری در سیاست‌های حمایتی و روش‌های شناسایی فقر است.

**کلیدواژه‌ها:** فقر سرشمار؛ شکاف فقر؛ هدفمندی ثابت سرانه؛ مدت زمان خروج از فقر؛ استان ایلام

\* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)؛  
Email: ba.darvishi@ilam.ac.ir

\*\* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام؛  
Email: f.mohamadian@ilam.ac.ir

## مقدمه

فقر یکی از بحث‌برانگیزترین آسیب‌های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه است که گسترش آن ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد. موضوع فقر و اندازه‌گیری آن در ادبیات اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد و در دهه‌های اخیر در سیاستگذاری‌های اقتصادی کشورها اهمیت بیشتری یافته است. در کشور ما فراهم کردن شرایط مناسب زندگی برای تمام اقشار جامعه وظیفه اصلی کارگزاران و مسئولین اقتصادی کشور است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۵۶). علاوه بر این مسئله فقر و رفاه اقشار آسیب‌پذیر به صراحت در اصل‌های (۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳) قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲). با این حال، برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارایی سیاستگذاری و نحوه اجرای برنامه نیاز دارند، به شناخت ابعاد مختلف پدیده فقر، دلایل و پیامدهای آن نیز نیازمندند. چندبعدی بودن فقر موجب شده تعاریف متعددی با توجه به جنبه‌های مختلف آن ارائه شود و تاکنون اجماعی در مورد مفهوم آن شکل نگرفته است. فقر می‌تواند از ابعاد مختلفی مانند فقر آموزش، فقر سلامت، فقر سرپناه، فقر غذایی و... مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین در بررسی فقر سه بحث اساسی وسعت و توزیع فقر، شدت و عمق فقر و سیاستگذاری برای کاهش فقر مطرح است.

در این پژوهش بُعد درآمدی فقر مورد توجه است و به سه بحث اساسی وسعت و توزیع فقر، شدت و عمق فقر و سیاستگذاری برای کاهش آن می‌پردازد. هدف مطالعه حاضر بررسی تحول فقر در مناطق شهری و روستایی استان ایلام طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۵ برای پاسخ به این سؤالات است، وسعت و شکاف فقر در مناطق شهری بیشتر است یا مناطق روستایی؟ وسعت و شکاف فقر در طی زمان برای مناطق مختلف چگونه تحول یافته است؟ کدام یک از مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها بیشترین و کمترین تأثیر را بر فقر دارند؟ اهمیت نسبی هر یک از مشخصه‌ها چگونه است؟ آیا فقر روستایی و شهری از مؤلفه‌ای یکسان تأثیر می‌پذیرند یا تأثیر مؤلفه‌ها در مناطق مختلف متفاوت است؟ هدفمندی یارانه‌ها چه تأثیری بر میزان فقر شهری و روستایی داشته است؟ برای تعدیل کامل فقر به چه میزان پرداخت نقدی در ماه نیاز است؟ آیا با سیاست‌های کنونی می‌توان در کوتاه‌مدت خانوارها را از فقرهایی بخشید؟ در نهایت در این زمینه رشد اقتصادی چه تأثیری خواهد

داشت؟ برای پاسخ به این سؤالات؛ مقاله به این صورت سازمان یافته است، بخش اول به پیشینه پژوهش اختصاص می‌یابد، بخش دوم به مبانی نظری و بخش سوم به روش تحقیق می‌پردازد، در بخش چهارم تحلیل یافته‌های تحقیق و در بخش پنجم نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

### ۱. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در زمینه فقر را می‌توان به دو دسته کلی مطالعات ملی و مطالعات منطقه‌ای تقسیم کرد. براساس موضوع پژوهش حاضر مطالعات منطقه‌ای ارزیابی می‌شوند، از جمله عمرانی، فرج‌زاده و دهمرده (۱۳۸۸) به بررسی عوامل تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاه میان خانوارهای روستایی سیستان (شهرستان زابل) در دوره ۱۳۸۳-۱۳۷۶ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد سن سرپرست، ترکیب سنی فرزندان و مجذور بُعد خانوار از مهمترین عوامل تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل است. پیریایی و شهسوار (۱۳۸۸) با به‌کارگیری خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر سرشمار، نسبت شکاف درآمدی، شدت فقر، سن و کاکوانی به بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس در دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که خط فقر سالیانه خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی بوده و شاخص‌های فقر در این مناطق در دوره مورد بررسی، روندی نزولی داشته است. زیبایی و باقری (۱۳۹۱) نیز با تهیه نقشه جغرافیایی فقر در مناطق شهری استان فارس و بررسی عوامل موثر بر آن، با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی و اطلاعات ۳۲۰ خانوار شهری در سال ۱۳۸۴ نشان دادند که متغیرهای میانگین اندازه خانوار، جنسیت سرپرست خانوار، درصد خانوارهای دارای مسکن و نوع شغل تأثیر معناداری بر فقر دارند. رشیدی و ناجی‌میدانی (۱۳۹۲) با هدف بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۵ برای مناطق شهری استان خراسان؛ با به‌کارگیری شاخص‌های فقر نسبی، سن، کاکوانی، فاستر، گریو و توربک و فقر سرشمار نشان دادند که در دوره مورد بررسی، فقر نسبی کاهش یافته و اگر یارانه توزیع شده در استان به صورت هدفمند صرفاً به فقرا تخصیص داده می‌شد قادر به حذف فقر نسبی بود. افتخاری، کرمی و نوری‌پور (۱۳۹۱) با استفاده از

خط فقر مطلق و شاخص‌های فقر سرشمار و شکاف فقر به بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد پرداختند. نتایج نشان‌دهنده فقر سرشمار ۳۲ درصدی است و فاکتورهای سن سرپرست، دسترسی به خدمات درمانی، وضعیت مسکن، آب لوله‌کشی، حمام، سطح تحصیلات و داشتن ابزارآلات کشاورزی بر فقر تأثیر داشته‌اند. افتخاریان و سلیمی فر (۱۳۹۳) با بررسی وضعیت فقر مناطق شهری کرمان با به‌کارگیری شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر و سن در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۱ نتیجه گرفتند که وضعیت فقر رو به بهبود بوده و خط فقر مناطق شهری استان کرمان کمتر از متوسط کشور است. یاسوری و امامی (۱۳۹۷) نیز با روش پیمایشی و مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی وضعیت فقر در دهستان سراوان شهرستان رشت پرداختند. آنان با نمونه‌گیری تصادفی از جامعه‌ای به حجم ۴۲۳۳ خانوار و آزمون‌های آماری نشان دادند که خانوارها از نظر بُعد اقتصادی فقیر هستند و عمده‌ترین دلایل فقر؛ فضای ناکافی مسکن برای کودکان، آسیب‌پذیری در مقابل سیل و زلزله و فروش محصولات کشاورزی به صورت غیرمستقیم به دلالت است.

مطالعه حاضر به بررسی تحولات فقر در برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه در استان ایلام می‌پردازد. برخلاف مطالعات پیشین که براساس مقایسه مقادیر مطلق شاخص‌های فقر به بررسی تفاوت‌ها بین مناطق شهری و روستایی و تحولات فقر در طی زمان پرداخته شده است، در مقاله حاضر تفاوت‌ها و تغییرات فقر براساس فاصله اطمینان آماری مقایسه شده‌اند. نوآوری دیگر مطالعه این است که شاخص‌های کشش‌های فقر، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان ماندن در فقر که نقش مهمی در سیاست‌گذاری دارند را بررسی می‌کند و در نهایت تأثیر هدفمندی یارانه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

## ۲. مبانی نظری

چندبُعدی بودن پدیده فقر سبب ارائه تعاریف متفاوت و فقدان اجماع در مورد مفهوم فقر شده است. آدام اسمیت<sup>۱</sup> فقرا را به‌عنوان ناتوانی در تأمین نیازها تعریف و نیازها را به دو دسته

1. Adam Smith

نیازهای اساسی و غیراساسی تقسیم می‌کند که به وسیله عادات و رسوم جامعه تعیین می‌شوند (حبیب‌پور، ۱۳۷۸: ۶۱). سن<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) فقر را به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصت‌های برابر تعریف می‌کند و اظهار می‌دارد که تمام تعاریف صورت گرفته در مورد فقر به نوعی به محرومیت اشاره دارد که یک مفهوم نسبی براساس زمان و مکان است.

به‌طور کلی فقر به دو دسته کلی عینی و ذهنی تقسیم می‌شود. منشأ فقر عینی اطلاعاتی است که از مشاهدات مستقیم حاصل می‌شود و به دو صورت فقر مطلق و فقر نسبی قابل اندازه‌گیری است. فقر مطلق بر پایه درآمد لازم برای تأمین حداقل معاش یا نیازهای اساسی شکل گرفته و به‌عنوان محرومیت یا ناتوانی فرد در کسب حداقل استانداردهای زندگی تعریف می‌شود. این تعریف از فقر مطلق با آخرین مطالعه بوت و روانتری<sup>۲</sup> مرتبط است. آنان از پیشگامان مطالعه در زمینه فقر مطلق در انگلستان هستند و فقر مطلق را به صورت ناتوانی در کسب ضروریاتی که برای حفظ کارایی جسمانی فرد لازم است، در نظر می‌گیرند (Kakwani, Khandker and Son, 2003: 1). اما این حداقل معاش ثابت نبوده و ممکن است از یک کشور به کشور دیگر تغییر کند. وسایل و امکاناتی که در یک کشور در شرایط تاریخی خاص از حیات یک ملت، حالت لوکس و تجملی دارند ممکن است در کشورهای دیگر یا مرحله دیگر حیات همان کشور نیاز اساسی تلقی شوند. می‌توان از تعدادی نیاز اساسی مانند نیاز به غذا، لباس، مسکن، درمان و... که عدم دسترسی به حداقلی از آنها ادامه حیات افراد را به مخاطره می‌اندازد، به‌عنوان معیارهای فقر مطلق استفاده کرد. در عمل به علت وابستگی این نیازها به عادات، آداب و رسوم، شرایط اقلیمی و ارزش‌های فرهنگی، یافتن حداقلی که در همه کشورها قابل استفاده باشد، بسیار دشوار خواهد بود.

در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که به صورت ناتوانی در دستیابی به سطح معیشت خاصی که در جامعه فعلی، یک فرد برای خود مطلوب تشخیص می‌دهد، تعریف

---

1. Sen

2. Booth and Rowntree

شده است (اضروم چیلر، ۱۳۸۴: ۱۳). این نوع فقر را با توجه به جامعه مورد بررسی ارزیابی می‌کنند. از دیدگاه فقر نسبی، فرد زمانی فقیر محسوب می‌شود که در مقایسه با سایر افراد جامعه در موقعیت محرومیت قرار داشته و دارای عدم مزیت (به صورت مالی یا اجتماعی) باشد (Haughton and Khandker, 2009: 43). رویکرد فقر نسبی، بیشتر معیاری از توزیع نسبی درآمدها و نابرابری است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴: ۶۶). طبقه‌بندی افراد فقیر و غیرفقیر براساس معیار فقر نسبی بستگی به درجه توسعه نیافتگی جامعه مورد بررسی دارد و نمی‌تواند برای جوامع مختلف یکسان باشد. بنابراین فردی که در یک جامعه فقیر محسوب می‌شود، در جامعه دیگر لزوماً جزء فقرا دسته‌بندی نمی‌شود. فقر علاوه بر جنبه‌های قابل مشاهده، دارای جنبه‌های ذهنی نیز هست. برخلاف فقر عینی که ملاک سنجش آن حداقل معیشت است که براساس درآمد، هزینه و یا سایر شاخص‌های عینی محاسبه می‌شوند، در فقر ذهنی قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خویش در جامعه ملاک سنجش قرار می‌گیرد و فقر به صورت عدم رضایت فرد از موقعیت اجتماعی و اقتصادی وی تعریف می‌شود. افرادی هستند که با داشتن درآمد بالاتر از خط فقر، خود را فقیر تصور می‌کنند. در تحلیل فقر ذهنی، اطلاعات مرتبط با عقاید افراد و خانوارها و وضعیت آنها به کار گرفته می‌شود. این روش فهم فقر تحت تأثیر دیدگاه ذهنی است که خانوارها در مورد موقعیت مالی خویش دارند و در مقابل رویکرد عینی است که در آن فقط متغیرهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این نوع فقر، قضاوت هر فرد در مورد ارضای نیازهای وی به میزان کافی و غیرکافی است و در آن، برآورده شدن نیازهایی فراتر از نیازهای اساسی مطرح است (Ibid.: 60).

در تحلیل پدیده فقر یکی از پرسش‌های اساسی این است که چگونه می‌توان افراد فقیر را از غیرفقیر بازشناخت؟ در پاسخ ابتدا باید آستانه‌ای از درآمد را تعریف کرد که یک خانوار برای رسیدن به سطح معینی از استاندارد زندگی نیاز دارد که همان خط فقر است. خانوارهایی که از منابع کافی برای رسیدن به آن سطح از رفاه برخوردار نباشند، فقیر تلقی می‌شوند. بنابراین یکی از مهمترین گام‌های تحلیل پدیده فقر، تعیین خط فقر است.

راوالیون خط فقر را به صورت مخارجی که یک فرد در زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود، تعریف می‌کند (3: Ravallion, 1998). در واقع می‌توان خط فقر را حداقل فاصله گروه‌های جامعه از نظر برخورداری یا برخوردار نبودن از حداقل نیازهای اساسی و یا مقدار مشخصی از درآمد در واحدی از زمان دانست. با این توضیح، می‌توان گفت خط فقر آستانه تمیز فقرا و غیرفقرا خواهد بود.

همانند مفهوم فقر، خط فقر نیز دارای تعاریف و مفاهیم متفاوتی از قبیل مطلق، نسبی و ذهنی است که انتخاب هر یک از آنها تفاوت‌های چشمگیری در میزان سنجش فقر در جامعه به دنبال دارد و در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است. خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه مورد بررسی برای تأمین حداقل نیازهای افراد مانند غذا، پوشاک، مسکن و... لازم است، یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و...) است که عدم تأمین آن موجب می‌شود تا فرد مورد بررسی فقیر در نظر گرفته شود. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی نیز می‌گویند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱: ۱۰). گاهی اوقات برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود، بلکه حداقل ویژگی‌های کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیربنای واحد مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد باسواد خانوار و... در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که هر یک از افراد جامعه این ویژگی‌ها را نداشته باشند، فقیر محسوب می‌شوند (خدادادکاشی، حیدری و باقری، ۱۳۸۴: ۲۰۶). خط فقر نسبی به صورت درصد معینی از درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. فقر نسبی در واقع به شرایطی اطلاق می‌شود که فرد درآمد مورد نیاز برای دسترسی به سطح زندگی متوسط جامعه و برخورداری از متوسط رفاه جامعه را نداشته باشد. بنابراین خط فقر نسبی عبارت است از معادل ریالی مخارجی که فرد برای دسترسی به متوسط سطح زندگی جامعه نیاز دارد.

در رابطه با خط فقر نسبی، تعداد افراد فقیر به موقعیت نسبی هر فرد یا خانوار در درون جامعه وابسته است. خطوط فقر نسبی معمولاً شاخص‌هایی را به کار می‌برند که مبتنی بر

شاخص‌های پولی نظیر درآمد و مخارج هستند. روش‌های عملی برای اندازه‌گیری خط فقر نسبی عبارت از روش معکوس ضریب انگل، روش مبتنی بر ۵۰ یا ۶۰ درصد میانه توزیع مخارج و روش مبتنی بر ۵۰ یا ۶۶ درصد نما (مد) توزیع مخارج است. انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به‌عنوان فقیر معرفی شوند.

در نهایت خط فقر ذهنی بر پایه پاسخ افراد به این سؤال است که از نظر شما حداقل درآمد لازم برای ادامه حیات چقدر است؟ در این حالت می‌توان از طریق آمارگیری این پرسش را مطرح کرد که شما چه سطحی از درآمد را به‌عنوان حداقل در نظر می‌گیرید؟ در واقع این سؤال، سطحی از درآمد را جستجو می‌کند که فرد با درآمد با کمتر از آن قادر به پاسخگویی به نیازهای خود نیست. بر این اساس از نظر سؤال‌شونده، هر فرد که درآمدش کمتر از حداقل درآمد باشد، فقیر تلقی می‌شود. پاسخ به پرسش فوق از فردی به فرد دیگر و برحسب بُعد خانوار متفاوت خواهد بود.

بعد از اندازه‌گیری خط فقر مسئله نهایی اندازه‌گیری میزان فقر در جامعه مورد بررسی است. در این زمینه سه بحث اساسی مطرح می‌شود یکی وسعت فقر است، در این مورد به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چند درصد از مردم جامعه فقیر هستند. بحث بعدی، توزیع فقر است که این مورد به بررسی ویژگی‌های افراد فقیر و شرایط زندگی آنها می‌پردازد. برای انجام این مهم می‌توان توزیع افراد فقیر برحسب متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی (مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، مسکن و...) و یا درصد افراد فقیر در مناطق مختلف جغرافیایی (شهری، روستایی، شهرستان‌های مختلف استان و...) را مشخص کرد. هدف اصلی این قسمت مشخص کردن آسیب‌پذیرترین گروه از نظر وسعت فقر است. مسئله سوم، بحث شدت و عمق فقر است. معیارهای سنجش شدت و عمق فقر اجازه می‌دهند تا درجه و شدت فقری که مردم از آن رنج می‌برند را مشخص کرد. در این روش به جای مشخص کردن تعداد افرادی که از فقر رنج می‌برند، درجه رنجی که آنان می‌کشند سنجیده می‌شود.

### ۳. روش تحقیق

در بررسی فقر سه بحث اساسی مطرح می‌شود، یکی وسعت و توزیع فقر است که درصد افراد



فقیر را در کل جمعیت مشخص می‌کند و به بررسی ویژگی‌های افراد فقیر می‌پردازد. دوم، شدت و عمق فقر و سوم، سیاست‌گذاری برای کاهش فقر است. برای هدف‌گذاری درست در این زمینه آگاهی از میزان تأثیر رشد و مبالغ مختلف پرداخت‌های انتقالی بر میزان فقر می‌تواند کمک‌کننده باشد. دانش مرتبط با مدت زمانی که فقرا در فقر به سر می‌برند نیز در زمینه شناسایی فقر گذرا و مزمن اهمیت دارد که تعدیل هر یک سیاست‌های خاص خود را می‌طلبد. در ادامه ابتدا شاخص‌های لازم برای بررسی سه بحث اساسی فوق، سپس داده‌ها و روش محاسبه خط فقر مطلق معرفی خواهد شد.

### ۳-۱. معرفی شاخص‌ها

**شاخص فقر:** در ادبیات مربوطه، شاخص‌های فقر زیادی ارائه شده، اما در این تحقیق به دو دلیل شاخص فقر فوستر، گریور و توربک<sup>۱</sup> انتخاب شده است. اول، تجزیه‌پذیری این شاخص است و دوم، این شاخص همه اصول موضوع یک شاخص مطلوب فقر را برآورده می‌کند و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$F(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left( \frac{z - y_i}{z} \right)^\alpha \quad (1)$$

در این رابطه  $z$  خط فقر،  $y_i$  درآمد فرد  $i$ ام و  $\alpha$  میزان تنفر و گریز از فقر در جامعه است. این شاخص برای مقادیر  $\alpha=0$ ،  $\alpha=1$  و  $\alpha=2$  به ترتیب سه شاخص فقر سرشمار، شکاف فقر و شدت فقر را نتیجه می‌دهد. علاوه بر این هر گاه جامعه مرکب از  $n$  فرد یا خانوار را به  $m$  زیرگروه که تعداد اعضای هر زیرگروه  $n_i$  باشد، تقسیم کنیم، شاخص  $F(\alpha)$  به صورت زیر تجزیه می‌شود.

$$F(\alpha) = \sum_{j=1}^m \left( \frac{n_j}{n} \right) F_j(\alpha) \quad (2)$$

کشش‌های فقر نسبت به رشد و نابرابری: در مدل کاکوانی، خاندکر و سان<sup>۱</sup> کشش کل فقر ( $\delta$ ) به این صورت محاسبه می‌شود.

$$\delta = \eta + \zeta \quad (۳)$$

در این رابطه  $\eta$  کشش فقر خنثی نسبت به رشد است که درصد تغییر در فقر به ازای ۱٪ تغییر در رشد متوسط درآمد را اندازه‌گیری می‌کند به شرط آنکه در فرایند رشد نابرابری تغییر نکند. مقدار این کشش همیشه منفی است و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\eta = \frac{1}{\theta} \int_0^H \frac{\partial P}{\partial x} x(p) dp \quad (۴)$$

در رابطه فوق  $H$  فقر سرشمار است که درصد افراد فقیر از کل جمعیت را نشان می‌دهد.  $X(p)$  درآمد افراد در صدک  $p$ ام و  $\theta$  شاخص فقر عمومی (میانگین محرومیت در سطح جامعه) است که به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\theta = \int_0^z p(z, x) f(x) dx \quad (۵)$$

در رابطه فوق  $z$  خط فقر،  $x$  درآمد فرد،  $f(x)$  تابع چگالی  $x$  و  $P(z, x)$  شدت محرومیت تحمل شده توسط یک فرد با درآمد  $x$  است که فوستر، گریو و توربک آن را به صورت ذیل تعریف کرده‌اند.

$$p(z, x) = \left(\frac{z-x}{z}\right)^\alpha \quad (۶)$$

در این رابطه  $z-x$  شکاف فقر است، که برای بیان شدت یا عمق فقر استفاده می‌شود و براساس تفاوت درآمد فرد یا خانوار فقیر از خط فقر تعیین می‌شود،  $\frac{z-x}{z}$  نسبت شکاف فقر و  $\alpha$  پارامتر تنفر از فقر است.

در رابطه (۳)،  $\zeta$  کشش فقر نسبت به نابرابری است که چگونگی تغییرات فقر ناشی از تغییرات در نابرابری در طول دوره‌ای که با رشد همراه است را بیان می‌کند و به صورت ذیل محاسبه می‌شود.

$$\zeta = \frac{1}{\theta\gamma} \int_0^H \frac{\partial p}{\partial x} x(p) d \ln(L'(p)) dp \quad (7)$$

که  $\hat{L}(p)$  مشتق اول تابع لورنزا است.

اگر توزیع‌های درآمد در سال‌های ابتدایی و انتهایی به ترتیب دارای میانگین‌های درآمد  $\mu_1$  و  $\mu_2$  با منحنی‌های لورنز  $L_1(p)$  و  $L_2(p)$  باشند، تخمین کشش فقر کل به صورت زیر است.

$$\theta = \theta(z, \mu, L(p)) \quad (8)$$

$$\hat{\delta} = (\text{Ln}[\theta(z, \mu_2, L_2(p))] - \text{Ln}[\theta(z, \mu_1, L_1(p))]) / \hat{\gamma}$$

در رابطه فوق  $z$  خط فقر مطلق،  $\mu$  متوسط درآمد جامعه و  $L(p)$  تابع لورنز (ارتباط بین نسبت تجمعی دارندگان درآمد یا جمعیت و نسبت تجمعی درآمد دریافت شده توسط جمعیت است، به شرط آنکه گروه‌های جمعیتی برحسب میزان درآمد به شکل صعودی مرتب شده باشند) است که با استفاده از مدل بتای کاکوانی (۱۹۸۰) برآورد می‌شود.  $\hat{\gamma}$  نرخ رشد متوسط درآمد است و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\hat{\gamma} = \text{Ln}(\mu_2) - \text{Ln}(\mu_1) \quad (9)$$

$$\hat{\delta} = \hat{\eta} + \hat{\zeta}$$

با توجه به روش تجزیه فقر کاکوانی (۲۰۰۰) می‌توان  $\hat{\eta}$  و  $\hat{\zeta}$  را به صورت زیر برآورد کرد.

$$\hat{\eta} = \frac{1}{2} [\text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_1(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_1(p))) + \text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_2(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_2(p)))] / \hat{\gamma}$$

$$\hat{\zeta} = \frac{1}{2} [\text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_2(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_1, L_1(p))) + \text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_2(p))) - \text{Ln}(\theta(z, \mu_2, L_1(p)))] / \hat{\gamma} \quad (10)$$

**شاخص هدفمندی ثابت سرانه:** در مورد شاخص هدفمندی سؤال اصلی این است که با پرداخت مبلغ معینی به فقرا به صورت سرانه ثابت، میزان فقر چه تغییری می‌کند؟ داکلوس و آراار (۲۰۰۶) اثر اضافه شدن مبلغ ثابتی به درآمد هر فرد در درون گروه جمعیتی  $k$  (در

اینجا شهری یا روستایی) که آن را هدفمندی ثابت سرانه<sup>۱</sup> گویند، بر شاخص فقر آن زیرگروه جمعیتی را به صورت زیر اندازه‌گیری کرده‌اند.

$$LST = -\alpha p(k, z, \alpha - 1) \quad \text{if } \alpha \geq 1 \quad (11)$$

$$LST = -f(k, z) \quad \text{if } \alpha = 0 \quad (12)$$

در رابطه فوق  $z$  نشان دهنده خط فقر،  $k$  نماد زیرگروه جمعیتی مربوطه،  $P(k, z, \alpha - 1)$  شاخص فقر فوستر، گریو و توربک برای زیرگروه جمعیتی  $k$  و  $f(k, z)$  نیز تابع چگالی درآمدهای زیرگروه جمعیتی  $k$  در سطح درآمد برابر با خط فقر (یعنی  $z$ ) است.

شاخص مدت زمان لازم برای خروج از فقر<sup>۲</sup>: تعداد سال‌هایی که یک فرد در فقر زندگی می‌کند یا مدت زمانی که طول می‌کشد تا یک فرد با درآمد زیر خط فقر درآمدش به خط فقر برسد به وسیله شاخص مدت زمان لازم برای خروج از فقر اندازه‌گیری می‌شود.

$$TTXP_g^j = \frac{\ln(z) - \ln(y_j)}{g} \quad (13)$$

در این رابطه  $TTXP_g^j$  مدت زمان لازم برای خروج فرد  $j$  ام از فقر است با فرض اینکه نرخ رشد درآمد حقیقی وی  $g$  باشد.  $\ln(z)$  و  $\ln(y_j)$  نیز به ترتیب نشان دهنده لگاریتم طبیعی خط فقر و درآمد فرد  $j$  ام است.

## ۲-۳. دوره زمانی و داده‌ها

دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۹۵ است که به زیردوره‌های برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) و برنامه پنجم (۱۳۹۵-۱۳۸۹) تقسیم شده است. مطابق این تقسیم‌بندی امکان بررسی تحول فقر طی برنامه‌های توسعه و در سال‌های قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها (سال‌های قبل و بعد از ۱۳۸۹) ممکن می‌شود. داده‌های پژوهش از محل داده‌های خام هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان ایلام تهیه شده است.

1. Lump-Sum Targeting (LST)
2. Time Taken to Exit of Poverty

### ۳-۳. روش محاسبه خط فقر

با وجود روش‌های متعددی برای اندازه‌گیری خط فقر در ادبیات مربوطه، در این پژوهش خط فقر مطلق انتخاب شده است. در واقع خط فقر مطلق برخلاف خط فقر نسبی و ذهنی، میزان درآمد یا هزینه لازم برای تأمین نیازهای اساسی خانوار را اندازه‌گیری می‌کند که تمرکز دولت‌ها در سیاست‌های فقرزدایی نیز بر تأمین همین نیازهاست. برای محاسبه خط فقر مطلق کل از روش ارشانسکی به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$\begin{aligned} TAP &= FAP \cdot \left( \frac{FC + NFC}{FC} \right) \\ &= FAP \cdot \left( 1 + \frac{NFC}{FC} \right) \\ &= FAP + FAP \cdot \frac{NFC}{FC} \end{aligned} \quad (۱۴)$$

در رابطه فوق TAP خط فقر مطلق کل، FAP خط فقر مطلق غذایی، FC و NFC به ترتیب هزینه کل خوراک و غیرخوراکی است که برای محاسبه خط فقر خوراکی از سبد پیشنهادی انستیتو تغذیه ایران استفاده می‌شود. در روش ارشانسکی برای سنجش  $\frac{NFC}{FC}$  (مخارج غیرخوراکی به خوراکی) عدد ۰/۵ را در نظر می‌گیرند، بعضی محققان نیز از یک سوم خط فقر خوراکی به عنوان خط فقر غیرخوراکی استفاده می‌کنند، در این مطالعه به جای عدد ارشانسکی میانگین هندسی نسبت هزینه غیرخوراکی به خوراک تنها برای ۳ دهک اول هزینه‌ای (که فقرا به مفهوم فقر مطلق در این دهک‌ها قرار دارند) در پنج سال اخیر به کار می‌رود.

### ۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت برای برآورد و تحلیل شاخص‌ها، ابتدا خط فقر مطلق سرانه محاسبه می‌شود. سپس براساس دو شاخص فقر سرشمار و شکاف فقر، تفاوت مناطق شهری و روستایی در یک نقطه زمانی و در طی زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاخص‌های فقر نیز براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها ارائه می‌شوند. همچنین شاخص‌های کشش‌های فقر نسبت به نابرابری و رشد، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان ماندن در فقر برآورد و تحلیل خواهند شد.

## ۴-۱. خط فقر، فقر سرشمار و شکاف فقر

نتایج محاسبه خط فقر مطلق سرانه سالیانه و ماهیانه مناطق شهری و روستایی استان در جدول ۱ نشان می‌دهد که خط فقر مطلق سرانه ماهیانه شهری و روستایی به ترتیب از ۶۱۲۲۳ و ۹۵۶۲۷ ریال در سال ۱۳۷۴ به ۲۲۵۵۰۴ و ۳۰۸۲۲۲۱ ریال در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته و همواره خط فقر شهری بالاتر از خط فقر روستایی بوده به طوری که مقدار متوسط نسبت خط فقر شهری به روستایی برابر با ۱/۴۶ است اما در سال‌های ۱۳۸۸ به بعد فاصله بین خط فقر شهری و روستایی کاهش یافته و این نسبت از ۱/۵۷ برابر در سال ۱۳۸۸ به ۱/۳۷ برابر در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

جدول ۱. خط فقر مطلق سرانه سالیانه و ماهیانه مناطق شهری و روستایی استان (به ریال)

نسبت خط فقر شهری به روستایی	خط فقر سرانه ماهیانه		خط فقر سرانه سالیانه		سال
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
۱,۵۶	۹۵۶۲۷	۶۱۲۲۳	۱۱۴۷۵۲۴	۷۳۴۶۷۴	۱۳۷۴
۱,۴۴	۱۹۱۲۵۴	۱۳۲۶۴۹	۲۲۹۵۰۴۹	۱۵۹۱۷۹۳	۱۳۷۸
۱,۴۱	۲۱۵۱۶۱	۱۵۳۰۵۷	۲۵۸۱۹۳۰	۱۸۳۶۶۸۴	۱۳۷۹
۱,۶۱	۳۹۴۴۶۲	۲۴۴۸۹۱	۴۷۳۳۵۳۸	۲۹۳۸۶۹۵	۱۳۸۳
۱,۶۱	۴۴۲۲۷۵	۲۷۵۵۰۳	۵۳۰۷۳۰۰	۳۳۰۶۰۳۲	۱۳۸۴
۱,۵۷	۸۴۸۶۹۰	۵۴۰۸۰۲	۱۰۱۸۴۲۷۸	۶۴۸۹۶۱۸	۱۳۸۸
۱,۴۲	۹۶۸۲۲۴	۶۸۳۶۵۵	۱۱۶۱۸۶۸۴	۸۲۰۳۸۵۷	۱۳۸۹
۱,۴۳	۱۴۵۷۲۷۷	۱۰۲۰۳۸۰	۱۷۴۸۷۳۱۹	۱۲۲۴۴۵۶۲	۱۳۹۰
۱,۴۱	۱۹۳۶۷۲۱	۱۳۷۲۴۱۱	۲۳۲۴۰۶۴۷	۱۶۴۴۸۹۳۷	۱۳۹۱
۱,۴	۲۴۱۶۱۶۵	۱۷۲۴۴۴۳	۲۸۹۹۳۹۷۴	۲۰۶۹۳۳۱۰	۱۳۹۲
۱,۳۹	۲۵۴۴۵۹۱	۱۸۳۴۱۳۳	۳۰۵۵۹۰۸۹	۲۲۰۰۹۶۰۱	۱۳۹۳
۱,۳۸	۲۶۷۷۰۱۷	۱۹۴۳۸۲۴	۳۲۱۲۴۲۰۴	۲۳۳۲۵۸۹۱	۱۳۹۴
۱,۳۷	۳۰۸۲۲۲۱	۲۲۵۵۰۴۰	۳۶۹۸۶۶۴۶	۲۷۰۶۰۴۸۳	۱۳۹۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شاخص فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی در جدول ۲ آمده است. میزان فقر سرشمار (درصد افراد فقیر از کل جمعیت هر منطقه)، تفاوت فقر شهری و روستایی و فرضیه برابری فقر سرشمار در مناطق شهری و روستایی در هر سال را آزمون می‌کند. مطابق جدول ۲ روند فقر سرشمار شهری در برنامه‌های دوم و سوم نزولی بوده به طوری که از بیشترین مقدار خود به میزان ۶۰/۲۰ درصد در سال ۱۳۷۴ به کمترین میزان خود ۱۲/۸۸ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته، اما از آغاز برنامه چهارم به بعد روند این شاخص صعودی بوده و به ۴۰/۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. فقر سرشمار روستایی نیز طی برنامه‌های دوم و سوم روند نزولی داشته و پس از آن تا پایان برنامه پنجم روندی صعودی دارد. مقایسه شاخص فقر سرشمار در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که جز در سال‌های ابتدای برنامه چهارم و پنجم در مابقی سال‌های دوره مورد بررسی فقر سرشمار مناطق شهری تفاوت معناداری با مناطق روستایی دارد و میزان فقر سرشمار در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. نکته جالب اینکه در طول سال‌های برنامه پنجم (متناظر با سال‌های اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها) برای اولین بار میزان فقر مناطق روستایی بیش از فقر در مناطق شهری است.

جدول ۲. میزان فقر سرشمار شهری و روستایی و تفاوت آنها در دوره ۱۳۷۴ - ۱۳۹۵

برنامه	سال	میزان فقر سرشمار (به درصد)		تفاوت فقر شهری و روستایی $H_0 = P_U - P_R = 0$	
		شهری	روستایی	diff	آماره t
prob					
برنامه دوم	۱۳۷۴	۶۰,۲۰	۳۴	۲۶,۱	۶,۵
	۱۳۷۸	۳۷,۴۷	۲۵,۵۱	۱۱,۹۶	۲,۳۶
برنامه سوم	۱۳۷۹	۲۶,۰۴	۱۳,۹۷	۱۲,۰۷	۲,۸۳
	۱۳۸۳	۱۳,۶۹	۷,۸۴	۵,۸۵	۱,۷۴
برنامه چهارم	۱۳۸۴	۱۲,۸۸	۹,۰۴	۳,۸۴	۱,۲۶
	۱۳۸۸	۲۰,۴۷	۱۳,۵۳	۶,۹۴	۲,۰۴
برنامه پنجم	۱۳۸۹	۳۲,۷۰	۲۷,۵۳	۵,۱۷	۱,۲۹
	۱۳۹۵	۴۰,۲۴	۵۲,۲۴	-۱۲	-۳,۰۴

مأخذ: همان.

شاخص شکاف فقر (متوسط درصد فاصله نسبی درآمد افراد از خط فقر) در مناطق شهری و روستایی طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه در جدول ۳ آمده است. بررسی این شاخص نشان می‌دهد شکاف فقر در مناطق شهری طی سال‌های برنامه‌های دوم و سوم روند کاهشی داشته است به طوری که از بیشترین میزان خود ۲۴/۳۹ درصد در سال ۱۳۷۴ به کمترین میزان خود ۲/۵۲ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده، اما از آغاز برنامه چهارم به بعد روند این شاخص صعودی است. شاخص شکاف فقر در مناطق روستایی نیز روندی مشابه مناطق شهری دارد. اگرچه بیشترین میزان شکاف فقر شهری در سال ۱۳۷۴ بوده، اما بیشترین مقدار شکاف فقر روستایی در سال پایانی برنامه پنجم توسعه رخ داده است. مقایسه شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که جز در سال‌های پایان برنامه سوم، ابتدای برنامه چهارم و پنجم در مابقی دوره مورد بررسی شکاف فقر مناطق شهری همواره از شکاف فقر روستایی بیشتر بوده و تفاوت معناداری با آن دارد. نکته جالب اینکه در طول سال‌های برنامه پنجم (متناظر با سال‌های اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها) برای اولین بار شکاف فقر مناطق روستایی بیش از شکاف فقر مناطق شهری است.

جدول ۳. میزان شکاف فقر شهری و روستایی و تفاوت آنها طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۴

تفاوت فقر شهری و روستایی $H_0 = P_U - P_R = 0$		میزان شکاف فقر (به درصد)		سال	برنامه
prob	آماره t	diff	روستایی		
۰,۰۰۰	۸,۱	۱۴,۷۱	۹,۷	۲۴,۳۹	۱۳۷۴
۰,۰۰۱	۳,۳۴	۶,۵۹	۷,۰۱	۱۳,۶۰	۱۳۷۸
۰,۰۱۲	۲,۵۳	۳,۴۳	۲,۷۹	۶,۲۲	۱۳۷۹
۰,۱۴۴	۱,۴۶	۱,۴۱	۱,۸۱	۳,۲۲	۱۳۸۳
۰,۶۱۳	۰,۵۱	۰,۴۷	۲,۰۵	۲,۵۲	۱۳۸۴
۰,۰۰۹	۲,۶۲	۲,۹۱	۲,۳۳	۵,۲۴	۱۳۸۸
۰,۶۷۳	۰,۴۲۳	۰,۵۴	۶,۹۸	۷,۵۲	۱۳۸۹
۰,۰۵۱	-۱,۹۵	-۲,۸۸	۱۴,۲۱	۱۱,۳۳	۱۳۹۵

مأخذ: همان.



برای بررسی وضعیت مناطق شهری و روستایی طی زمان فرضیه برابری شاخص‌های فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه آزمون شده که معناداری آن با تفاوت مثبت (منفی) نشان‌دهنده افزایش (کاهش) شاخص در آن برنامه است. نتایج آزمون این فرضیه برای شاخص فقر سرشمار مناطق روستایی در جدول ۴ آمده است که نشان می‌دهد به جز برنامه چهارم در سایر برنامه‌ها تغییر فقر سرشمار روستایی معنادار بوده، اما در برنامه‌های دوم و سوم کاهش و در برنامه پنجم افزایش یافته است.

جدول ۴. میزان فقر سرشمار مناطق روستایی و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

برنامه	میزان فقر سرشمار (به درصد)		تفاوت فقر سرشمار روستایی سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$	
	سال اول	سال آخر	diff	آماره t
برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۳۴,۱۳	۲۵,۵۱	-۸,۶۱	-۱,۸۸
برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)	۱۳,۹۷	۷,۸۴	-۶,۱۳	-۱,۸۴
برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴)	۹,۰۴	۱۳,۵۳	۴,۴۹	۱,۵۱
برنامه پنجم (۱۳۹۵-۱۳۸۹)	۲۷,۵۳	۵۲,۲۴	۲۴,۷۱	۶,۴۰

مأخذ: همان.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه مذکور برای شاخص شکاف فقر مناطق روستایی طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه در جدول ۵ آمده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شکاف فقر روستایی به جز در برنامه چهارم در سایر برنامه‌ها معنادار بوده، اما در برنامه‌های دوم و سوم کاهش و در برنامه پنجم افزایش یافته است.

جدول ۵. میزان شکاف فقر مناطق روستایی و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

تفاوت فقر روستایی سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$			میزان شکاف فقر (به درصد)		برنامه
prob	آماره t	diff	سال آخر	سال اول	
۰,۱۱۰	-۱,۶۱	-۲,۶۷	۷,۰۱	۹,۶۹	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۰,۲۵۹	-۱,۱۳	-۰,۹۸	۱,۸۱	۲,۷۹	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۰,۷۶۶	۰,۲۹۷	۰,۲۸	۲,۳۳	۲,۰۵	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۰,۰۰۰	۵,۲۳	۷,۲۳	۱۴,۲۱	۶,۹۸	برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)

مأخذ: همان.

نتایج آزمون فرضیه برابری فقر سرشمار در سال انتها و ابتدای هر برنامه برای شاخص فقر سرشمار مناطق شهری در جدول ۶ نشان می دهد در تمام برنامه ها تغییر فقر سرشمار شهری معنادار بوده با این تفاوت که طی برنامه های دوم و سوم کاهش داشته اما در برنامه های چهارم و پنجم افزایش یافته است.

جدول ۶. میزان فقر سرشمار مناطق شهری و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

تفاوت فقر روستایی سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$			میزان شکاف فقر (به درصد)		برنامه
prob	آماره t	diff	سال آخر	سال اول	
۰,۰۰۰	-۵	-۲۲,۷۳	۳۷,۴۷	۶۰,۲۰	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۰,۰۰۴	-۲,۸۸	-۱۲,۳۵	۱۳,۶۹	۲۶,۰۴	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۰,۰۲۸	۲,۲۰	۷,۵۹	۲۰,۴۷	۱۲,۸۸	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۰,۰۶۷	۱,۸۴	۷,۵۴	۴۰,۲۴	۳۲,۷۰	برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)

مأخذ: همان.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه برابری شکاف فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه برای مناطق شهری در جدول ۷ نشان می‌دهد که شکاف فقر شهری در تمام برنامه‌ها معنادار بوده، اما در برنامه‌های دوم و سوم کاهش داشته و در برنامه‌های چهارم و پنجم افزایش یافته است.

جدول ۷. میزان شکاف فقر مناطق شهری و تفاوت فقر در سال انتها و ابتدای هر برنامه

تفاوت فقر شهری سال آخر از سال اول برنامه $H_0 = P_{t2} - P_{t1} = 0$		میزان شکاف فقر (به درصد)		برنامه
prob	آماره t	diff	سال آخر	
۰,۰۰۰	-۵,۱۱	-۱۰,۸	۱۳,۶۰	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۰,۰۳۵	-۲,۱۱	-۳	۳,۲۲	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۰,۰۱۳	۲,۴۷	۲,۷۲	۵,۲۴	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۰,۰۰۶	۲,۷۸	۳,۸۱	۱۱,۳۳	برنامه پنجم (۱۳۸۹-۱۳۹۵)

مأخذ: همان.

برای ارائه تصویری روشن از وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان ایلام، میزان فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها (که در واقع توزیع فقرا به تصویر می‌کشد) در جداول ۸ و ۹ آمده است. براساس نتایج جدول ۸ برای خانوارهای روستایی، اگر مبنای مقایسه برای تأثیرگذاری یک مشخصه بر فقر، مقایسه فقر خانوارهای دارای آن مشخصه با فقر کل جمعیت باشد، بُعد خانوار همواره بر میزان فقر تأثیرگذار بوده و در تمام سال‌های مورد بررسی میزان فقر خانوارهای پنج نفره و بیشتر از فقر کل جمعیت بیشتر است. درباره مشخصه جنسیت سرپرست، در برنامه‌های دوم و سوم همواره میزان فقر خانوارهای با سرپرست زن از خانوارهای با سرپرست مرد و کل خانوارها بیشتر است؛ در حالی که در برنامه‌های چهارم و پنجم عکس نتایج فوق صادق است. در زمینه سن سرپرست خانوار، آسیب‌پذیرترین خانوارها گروهی هستند که سن سرپرست آنها در محدوده ۳۶ تا ۵۰ سال قرار دارد.

در مورد سطح تحصیلات، در تمام سال‌های مورد بررسی میزان فقر خانوارهای با سرپرست دارای تحصیلات دانشگاهی برابر صفر است به جز در سال آخر برنامه پنجم که شاهد افزایش شدید فقر در بین این دسته از خانوارها تا سطح ۳۵ درصد هستیم آسیب‌پذیرترین خانوارها، خانوارهای با سرپرست بی‌سواد هستند. براساس محل فعالیت سرپرست و وضعیت مسکن خانوار، میزان فقر در بین خانوارهای شاغل در بخش صنعت و سایر گروه فعالیت‌های طبقه‌بندی نشده بیش از دیگر خانوارهاست و از نظر مسکن نیز الگوی مشخصی از فقر براساس وضعیت مسکن مشاهده نمی‌شود.

جدول ۸. فقر سرشمار مناطق روستایی استان ایلام به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها

مشخصه	ابعاد / وضعیت مشخصه							
	برنامه پنجم		برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم	
	۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۴
بُعد خانوار	چهار نفره و کمتر							
	۴۲	۱۱	۶	۴	۴	۸	۱۱	۲۲
پنج نفره و بیشتر								۳۵
جنسیت سرپرست خانوار	زن							
	۴۴	۲۹	۸	۱	۲۱	۲۸	۲۸	۴۹
مرد								۳۴
سن سرپرست خانوار	کمتر یا مساوی ۳۵ سال							
	۴۵	۲۳	۱۴	۳	۷	۷	۱۰	۲۹
	۳۶ تا ۵۰ سال							
بالای ۵۰ سال								۳۲
تحصیلات سرپرست خانوار	بی‌سواد							
	۵۹	۳۱	۱۸	۸	۹	۱۷	۲۹	۳۵
زیردیپلم و دیپلم								۳۶
تحصیلات دانشگاهی								۰
محل فعالیت سرپرست خانوار	کشاورزی							
	۴۹	۲۸	۱۲	۱۲	۷	۱۰	۲۴	۳۱
	صنعت							
خدمات								۴۶
سایر								۳۱
وضعیت اسکان خانوار	سایر							
	۵۹	۳۰	۱۵	۷	-	۲۵	۲۷	۵۹
	مالک							
مستأجر								-
سایر								-
خط فقر سرشمار برای کل جمعیت								
	۵۲	۲۸	۱۴	۹	۸	۱۴	۲۶	۳۴

مأخذ: همان.

میزان فقر سرشمار مناطق شهری استان به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها در جدول ۹ نشان می‌دهد که مشابه مناطق روستایی در مناطق شهری نیز بُعد خانوار همواره بر میزان فقر تأثیرگذار بوده و در تمام سال‌های مورد بررسی میزان فقر خانوارهای پنج‌نفره و بیشتر، از فقر کل جمعیت بزرگتر است. درباره جنسیت سرپرست به‌طور مشخص نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد. در زمینه سن سرپرست خانوار، بیشترین میزان فقر مربوط به خانوارهایی است که سن سرپرست آنها در محدوده سنی ۳۶ تا ۵۰ سال قرار دارد. در مورد سطح تحصیلات آسیب‌پذیرترین خانوارها، خانوارهای با سرپرست بی‌سواد هستند. براساس محل فعالیت سرپرست و وضعیت مسکن خانوار، میزان فقر در بین خانوارهای شاغل در بخش صنعت و سایر گروه فعالیت‌های طبقه‌بندی نشده بیش از دیگر خانوارهاست و از نظر مسکن نیز در مقایسه با میزان فقر کل جمعیت، الگوی مشخصی از فقر براساس وضعیت مسکن مشاهده نمی‌شود، اما از نظر میزان فقر در بین مالکان، مستأجران و سایر شیوه‌های تأمین مسکن (در برابر خدمت یا رایگان) در اکثر سال‌ها، میزان فقر در بین خانوارهای با وضعیت استیجاری بیشتر از دو گروه دیگر است.

جدول ۹. فقر سرشمار مناطق شهری استان ایلام به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها

مشخصه	ابعاد/ وضعیت مشخصه							
	برنامه پنجم		برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم	
	۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۴
بُعد خانوار	چهارنفره و کمتر							
	۲۶	۸	۷	۳	۴	۱۱	۱۱	۲۹
پنج‌نفره و بیشتر								
	۵۳	۴۰	۲۵	۱۵	۱۶	۲۸	۴۰	۶۳
جنسیت سرپرست خانوار	زن							
	۴۲	۱۹	۲۸	۲۱	۷	۲۴	۳۷	۷۸
مرد								
	۴۰	۳۳	۲۰	۱۲	۱۴	۲۶	۳۷	۶۰
سن سرپرست خانوار	کمتر یا مساوی ۳۵ سال							
	۳۰	۲۲	۲۱	۹	۳	۱۷	۱۴	۵۳
	۳۶ تا ۵۰ سال							
	۳۵	۳۰	۲۰	۱۴	۸	۲۵	۳۸	۶۱
بالای ۵۰ سال								
	۴۷	۳۵	۲۱	۱۳	۲۷	۳۱	۴۷	۶۲

برنامه پنجم		برنامه چهارم		برنامه سوم		برنامه دوم		ابعاد / وضعیت مشخصه	مشخصه
۱۳۹۵	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۴		
۴۶	۴۹	۲۹	۲۴	۲۸	۳۸	۵۲	۷۳	بی سواد	تحصیلات سرپرست خانوار
۵۳	۳۱	۱۹	۱۰	۶	۲۲	۳۳	۵۹	زیردیپلم و دیپلم	
۹	۲	۷	۰	۰	۱۶	۱۸	۹	تحصیلات دانشگاهی	
۵۶	۳۶	۹	۲۳	۲۷	۹	۴۴	۵۹	کشاورزی	محل فعالیت سرپرست خانوار
۵۲	۵۰	۳۳	۲۰	۱۳	۴۶	۵۱	۶۵	صنعت	
۲۴	۲۳	۱۷	۵	۱۱	۱۸	۳۲	۵۷	خدمات	
۴۶	۲۹	۲۴	۱۹	۱۵	۴۱	۴۳	۷۲	سایر	
۴۱	۳۳	۲۰	۱۳	۱۵	۲۶	۳۷	-	مالک	وضعیت اسکان خانوار
۳۴	۳۶	۲۵	۱۳	۷	۳۱	۳۹	-	مستأجر	
۴۱	۱۸	۱۶	۹	-	۲۰	۳۸	-	سایر	
۴۰	۳۳	۲۰	۱۳	۱۴	۲۶	۳۷	۶۰	خط فقر سرشمار برای کل جمعیت	

مأخذ: همان.

برای بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر میزان فقر مناطق شهری و روستایی استان به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها، متوسط فقر سرشمار در سال‌های قبل از هدفمندی (۱۳۷۴-۱۳۸۸) و سال‌های بعد از هدفمندی (۱۳۹۵-۱۳۹۰) در جدول ۱۰ مقایسه شده‌اند. نتایج تفصیلی فقر سرشمار براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد که بعد از هدفمندی نه تنها برای هیچ گروهی از خانوارها فقر بهبود نیافته، بلکه برای گروه‌های مختلف خانوار میزان فقر در نقاط روستایی و شهری استان به شدت افزایش یافته است.

جدول ۱۰. فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی استان ایلام به تفکیک مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها

مشخصه	ابعاد/ وضعیت مشخصه	فقر سرشمار در سال‌های قبل از هدفمندی یارانه‌ها		فقر سرشمار در سال‌های بعد از هدفمندی یارانه‌ها	
		روستایی	شهری	روستایی	شهری
بُعد خانوار	چهار نفره و کمتر	۸	۸	۲۶	۴۲
	پنج نفره و بیشتر	۲۷	۱۶	۵۳	۵۹
جنسیت سرپرست خانوار	زن	۲۶	۱۴	۴۲	۴۴
	مرد	۲۴	۱۵	۴۰	۵۳
سن سرپرست خانوار	کمتر یا مساوی ۳۵ سال	۱۴	۹	۳۰	۴۵
	۳۶ تا ۵۰ سال	۲۳	۱۷	۳۵	۵۰
	بالای ۵۰ سال	۳۰	۱۲	۴۷	۵۵
تحصیلات سرپرست خانوار	بی سواد	۳۸	۱۷	۴۶	۵۹
	زیردیپلم و دیپلم	۱۹	۱۴	۵۳	۵۱
	تحصیلات دانشگاهی	۸	۲	۹	۳۴
محل فعالیت سرپرست خانوار	کشاورزی	۲۳	۱۴	۵۶	۴۹
	صنعت	۳۳	۲۳	۵۲	۵۷
	خدمات	۱۸	۸	۲۴	۴۹
	سایر	۳۱	۲۲	۴۶	۵۹
وضعیت اسکان خانوار	مالک	۲۱	۱۳	۴۱	۵۲
	مستأجر	۱۹	۳	۳۴	۵۹
	سایر	۱۷	۱۶	۴۱	۵۶
خط فقر سرشمار برای کل جمعیت		۲۴	۱۵	۴۰	۵۲

مأخذ: همان.

#### ۲-۴. کَشش‌های فقر، هدفمندی و مدت زمان فقر

هدف مهم سیاست‌گذاری در هر مطالعه مرتبط با فقر، هدف‌گذاری در راستای کاهش این معضل اقتصادی و اجتماعی است. برای هدف‌گذاری درست آگاهی از میزان تأثیر رشد و مبالغ مختلف پرداخت‌های انتقالی بر میزان فقر می‌تواند کمک‌کننده باشد. دانش مرتبط با مدت زمانی که فقرا در فقر به سر می‌برند نیز در زمینه شناسایی فقر گذرا و مزمن اهمیت دارد که تعدیل هر یک سیاست‌های

خاص خود را می‌طلبید. در راستای تحقق اهداف مذکور، ابتدا کَشش فقر نسبت به رشد و نابرابری، سپس تأثیر پرداخت مبالغ مشخص به فقرا بر میزان فقر بررسی و در نهایت مدت زمان ماندن در فقر محاسبه می‌شود. نتایج حاصل از کَشش فقر نسبت به رشد و نابرابری برای مناطق شهری و روستایی براساس داده‌های سال ۱۳۹۵ در جدول ۱۱ آمده است. نتایج بیانگر آن است که در مناطق شهری و روستایی رشد ۱ درصدی متوسط درآمد بیش از ۱/۵ درصد فقر سرشمار را کاهش می‌دهد، به‌عنوان مثال اگر رشد متوسط درآمدها ۱۰ درصد باشد فقر سرشمار روستایی و شهری به ترتیب به میزان ۱۵/۶ و ۱۶/۷ درصد کاهش خواهد یافت. رشد اقتصادی همواره نسبت به نابرابری خنثی نبوده و اغلب باعث افزایش آن می‌شود. در این زمینه نتایج نشان می‌دهد که ۱ درصد رشد ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی به ترتیب به میزان ۰/۳۳ و ۰/۹ درصد فقر سرشمار را افزایش می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت که هیچ‌یک از عوامل رشد و نابرابری به تنهایی تعیین‌کننده میزان کاهش در فقر نیستند، بلکه بر این دو، نتیجه را تعیین می‌کند که آن را کَشش کل فقر نسبت به رشد می‌نامند.

جدول ۱۱. کَشش فقر نسبت به رشد و نابرابری برای مناطق شهری و روستایی براساس داده‌های سال ۱۳۹۵

منطقه جغرافیایی	نوع کَشش	مقدار کَشش	آماره t	حد پایین	حد بالا	نتیجه
روستایی	کَشش فقر نسبت به رشد	-۱,۵۶	-۱۱,۱۴	-۱,۸۳	-۱,۲۹	معنادار در سطح ۹۵ درصد
	کَشش فقر نسبت به نابرابری	۰,۳۳	۳,۷۹	۰,۱۶	۰,۵۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد
شهری	کَشش فقر نسبت به رشد	-۱,۶۷	-۱۱,۲۶	-۱,۹۹	-۱,۳۹	معنادار در سطح ۹۵ درصد
	کَشش فقر نسبت به نابرابری	۰,۹۰	۵,۹۳	۰,۶۰	۱,۲۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد

مأخذ: همان.

یکی از ارکان مهم سیاست‌گذاری که در هر مطالعه مرتبط با فقر به کار می‌رود، انجام پرداخت‌های نقدی برای تعدیل فقر است. در این راستا مبلغ ریالی لازم که باید به صورت ماهیانه

۱. کَشش فقر نسبت به رشد نشان می‌دهد که ۱ درصد رشد متوسط درآمدها با فرض ثابت بودن نابرابری چقدر فقر سرشمار را کاهش می‌دهد و کَشش فقر نسبت به نابرابری نشان می‌دهد که ۱ درصد افزایش در نابرابری چه تأثیری بر فقر سرشمار دارد.



به هر خانوار با ابعاد مختلف پرداخت شود تا روی خط فقر قرار گیرد در جداول ۱۲ و ۱۳ برای نقاط شهری و روستایی استان محاسبه شده است. شکاف فقر ماهیانه یک خانوار روستایی به ریال براساس بُعد خانوار در سال ۱۳۹۵ در جدول ۱۲ نشان می‌دهد که به طور متوسط درآمد ماهیانه خانوارهای پنج نفره به میزان ۲۹۲۳۸۷۴ ریال زیر خط فقر قرار دارد. مقدار حداقل، حداکثر و میانه شکاف فقر این خانوارها نیز به ترتیب ۷۵۱۲۳، ۶۵۶۸۱۱۸ و ۲۶۰۲۱۲۳ ریال است<sup>۱</sup>. نتایج شکاف فقر خانوارهای شهری در جدول ۱۳ نیز نشان می‌دهد که به طور متوسط درآمد ماهیانه خانوارهای پنج نفره به میزان ۳۹۲۶۱۷۷ ریال زیر خط فقر قرار دارد. مقدار حداقل، حداکثر و میانه شکاف فقر این خانوارها به ترتیب ۷۱۱۸۶، ۱۱۰۰۰۰۰ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال است. بنابراین برای اطمینان از حذف فقر در بین حداقل ۵۰ درصد از خانوارهای روستایی و شهری باید مبلغی برابر با مقدار میانه (به ترتیب ۲۶۰۲۱۲۳ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال) به همگی پرداخت شود و برای اطمینان از حذف فقر در بین همه خانوارها باید ماهیانه مبلغی برابر با حداکثر شکاف فقر به همگی پرداخت شود که مبلغ آن در سال ۱۳۹۵ برای خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب ۶۵۶۸۱۱۸ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال است.

جدول ۱۲. شکاف فقر ماهیانه یک خانوار روستایی براساس بُعد خانوار در سال ۱۳۹۵ (به ریال)

بُعد خانوار	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر
۱	۶۷۶۴۴۲٫۷	۶۵۴۷۵۷٫۹	۶۶۰۴۰٫۲۵	۱۱۸۳۶۷۵
۲	۱۱۶۳۶۳۶	۱۰۸۶۶۸۳	۹۲۶۸۲٫۵	۲۹۹۰۱۸۳
۳	۱۳۶۳۴۹۹	۱۳۴۹۴۱۶	۳۶۳۹۰٫۲۵	۲۹۶۳۰۲۴
۴	۲۶۲۹۶۹۳	۲۶۵۸۴۴۸	۱۰۲۸۶۵	۵۸۰۵۱۹۹
۵	۲۹۲۳۸۷۴	۲۶۰۲۱۲۳	۷۵۱۲۲٫۹۱	۶۵۶۸۱۱۸
۶	۳۴۰۹۵۸۲	۲۹۷۳۵۴۸	۳۰۴۶۴٫۵	۷۵۷۹۲۱۴
۷	۴۴۱۵۷۴۸	۳۹۴۶۵۰۴	۸۱۷۷۲۱٫۹	۸۷۶۹۳۸۹
۸	۶۶۳۸۰۴۴	۶۹۲۴۹۸۱	۲۳۹۲۷۹۴	۹۹۰۰۲۳۰

مأخذ: همان.

۱. به این معنا که خانوار با شکاف حداقل دارای بهترین وضعیت و خانوار با حداکثر شکاف دارای بدترین وضعیت از نظر فقر در بین خانوارهای مورد بررسی است. خانوار با شکاف فقر میانه نیز خانواری است که ۵۰ درصد خانوارهای فقیر دارای وضعیتی بهتر از او و ۵۰ درصد نیز در وضعیتی بدتر از وی قرار دارند.

جدول ۱۳. شکاف فقر ماهیانه یک خانوار شهری براساس بُعد خانوار در سال ۱۳۹۵ (به ریال)

بُعد خانوار	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر
۱	۹۶۲۲۸۲٫۳	۱۲۳۸۶۰۵	۴۷۴۷۰٫۵	۱۶۰۰۷۷۲
۲	۱۳۴۰۰۴۹	۱۴۰۹۰۴۳	۳۲۴۴۴۱	۳۰۰۹۱۲۴
۳	۲۰۰۰۴۱۲	۱۰۰۶۹۴۶	۱۲۴۹۴٫۵	۵۹۸۸۹۱۲
۴	۳۴۲۰۶۶۲	۳۰۲۷۰۲۶	۷۲۴۰۲	۷۸۱۰۰۸۶
۵	۳۹۲۶۱۷۷	۲۸۸۲۶۰۵	۷۱۱۸۵٫۸۴	۱۱۰۰۰۰۰۰
۶	۴۷۴۶۲۵۸	۴۱۶۱۷۵۸	۹۲۴۴۸۹	۱۱۱۳۰۰۰۰۰
۷	۷۱۹۰۲۵۱	۸۳۴۰۴۱۸	۱۹۰۱۰۴۳	۱۱۲۰۰۰۰۰
۸	۷۹۸۷۵۹۳	۷۹۵۱۷۱۸	۴۹۰۳۰۹۸	۱۱۱۰۰۰۰۰

مأخذ: همان.

در زمینه هدفگذاری فقر یکی از سیاست‌هایی که از سال ۱۳۸۹ دنبال شده پرداخت یارانه ماهیانه ۴۵۵۰۰۰ ریال به هر عضو خانوار است که در سال ۱۳۹۲ مقدار یارانه خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی دوبرابر شد. در جدول ۱۴ تأثیر این سیاست بر میزان فقر سرشمار و شکاف فقر خانوارهای شهری و روستایی استان بررسی شده است.

جدول ۱۴. تأثیر دوبرابر کردن یارانه‌ها بر فقر سرشمار و شکاف فقر خانوارها براساس داده‌های سال ۱۳۹۵

منطقه جغرافیایی	نوع شاخص فقر	مقدار شاخص در سال ۱۳۹۵ (به درصد)	میزان کاهش در شاخص در اثر دوبرابر کردن یارانه (درصد)
روستایی	فقر سرشمار	۵۲	-۱۶
	شکاف فقر	۱۴	-۱۰
شهری	فقر سرشمار	۴۰	-۱۰
	شکاف فقر	۱۱	-۶

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد که دوبرابر کردن یارانه‌ها هرچند شکاف فقر را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد و به ترتیب در مناطق روستایی و شهری از ۱۴ و ۱۱ درصد به ۴ و ۵ درصد می‌رسد، اما میزان فقر سرشمار (یعنی درصد خانوارهای در فقر) همچنان قابل توجه است. بعد از اجرای این سیاست در مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۳۶ و ۳۰ درصد خانوارها فقیر خواهند بود. از آنجاکه سیاست اجرا شده توسط دولت همه خانوارها را دربر نمی‌گیرد و معمولاً تمام فقرا توسط دولت شناسایی نشده‌اند در عمل نتیجه حاصل از این سیاست بر فقر ضعیف‌تر از ارقام مذکور است.

سیاست‌گذاری در زمینه فقر مستلزم شناخت نوع فقر (فقر مزمن و گذرا) است<sup>۱</sup>. یکی از شاخص‌هایی که اطلاعات مفیدی در مورد فقر مزمن و گذرا ارائه می‌کند، شاخص مدت زمان ماندن در فقر است که نتایج محاسبه این شاخص براساس نرخ‌های رشد حقیقی پیش فرض و وضعیت شکاف فقر خانوار در جدول ۱۵ ارائه شده است.

جدول ۱۵. تعداد سال‌های ماندن زیر خط فقر براساس نرخ‌های رشد حقیقی پیش فرض و وضعیت شکاف فقر خانوار

تعداد سال‌های ماندن در زیر خط فقر براساس نرخ‌های رشد حقیقی پیش فرض								وضعیت شکاف فقر خانوار
نرخ رشد ۱۲ درصد		نرخ رشد ۹ درصد		نرخ رشد ۶ درصد		نرخ رشد ۳ درصد		
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	کمترین شکاف فقر
۱۰	۹	۱۴	۱۲	۲۱	۱۸	۴۲	۳۶	بالاترین شکاف فقر
۳	۳	۳	۳	۵	۵	۱۰	۱۰	شکاف فقر متوسط

مأخذ: همان.

۱. فقر گذرا یا کوتاه مدت فقری است که در اثر گرفتار شدن خانوار در حوادث اقتصادی و اجتماعی (بیکاری، خشکسالی، زکود اقتصادی و...) ایجاد می‌شود و خانواده با گذراندن دوره کوتاه در فقر دوباره به وضعیت رفاهی قبلی برمی‌گردد. در مقابل فقر مزمن، فقر ساختاری و طولانی مدتی است که معلول ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی یک کشور است و گاهی بدون حمایت‌های گسترده دولت در نسل‌ها نیز برطرف نمی‌شود.

نتایج جدول ۱۵ نشان می‌دهد که خانوارهای با حداقل شکاف فقر را می‌توان با نرخ‌های رشد معمول ۳ درصد از فقر رها کرد و حتی با این نرخ رشد می‌توان خانوارهای با شکاف فقر متوسط را نیز در یک بازه ۱۰ ساله از فقر نجات داد. مسئله اصلی خانوارهای با شکاف فقرهای بزرگ هستند که تنها با نرخ‌های رشد ۱۲ درصدی آن هم در طی یک بازه زمانی ۱۰ ساله می‌توان آنها را از فقر رهایی بخشید. با توجه به اینکه به دلیل نابرابری در برخورداری از فرصت‌های رشد کلان معمولاً نرخ رشد درآمد فقرا به میزان نرخ رشد اقتصادی کشور نخواهد بود بنابراین در به‌کارگیری نتایج فوق باید محتاط بود. برای ارائه تصویری واضح از این مسئله وضعیت نرخ رشد حقیقی سالیانه درآمد فقرا در جدول ۱۶ ارائه شده است.

جدول ۱۶. نرخ رشد حقیقی سالیانه درآمد فقرا طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۵

نرخ رشد حقیقی سالیانه درآمد فقرا		وضعیت شکاف فقر خانوار
شهری	روستایی	
-۳	۰	کمترین شکاف فقر
-۱	-۵	بالاترین شکاف فقر
۰	-۱	شکاف فقر متوسط

مأخذ: همان.

نتایج بیانگر آن است که با این نرخ رندها نه تنها فقرا از فقر رهایی نخواهند یافت، بلکه هر سال وضعیت رفاهی آنان بدتر از قبل خواهد شد. نرخ رشد بالا و منفی برای خانوارهای شهری با کمترین شکاف فقر باعث می‌شود که شکاف فقرا این خانوارها در طی زمان عمیق و عمیق‌تر شود.

##### ۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در بررسی فقر سه بحث اساسی مطرح است: وسعت و توزیع فقر، شدت و عمق فقر و

سیاستگذاری برای کاهش فقر. در این پژوهش مباحث فوق با به‌کارگیری داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان ایلام و شاخص‌های فقر فوستر، گریو و توربک، کشش‌های فقر نسبت به رشد و نابرابری، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان فقر در طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۴ مورد بررسی قرار گرفته است. نوآوری مقاله در این است که برخلاف مطالعات قبلی که براساس مقایسه مقادیر مطلق شاخص‌های فقر به بررسی تفاوت‌ها بین مناطق شهری و روستایی و تحولات فقر در طی زمان پرداخته‌اند، در مطالعه حاضر تفاوت‌ها و تغییرات فقر براساس فاصله اطمینان آماری مقایسه شده‌اند و نوآوری دیگر اینکه در این مطالعه شاخص‌های کشش‌های فقر، هدفمندی ثابت سرانه و مدت زمان ماندن در فقر را که نقش مهمی در سیاستگذاری دارند نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد که جز در سال‌های ابتدای برنامه چهارم و پنجم در مابقی سال‌های دوره مورد بررسی فقر سرشمار و شکاف فقر مناطق شهری تفاوت معناداری با مناطق روستایی دارد و مقدار آنها در مناطق شهری بیشتر است. نکته جالب اینکه در طول سال‌های برنامه پنجم (متناظر با سال‌های اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها) برای اولین بار میزان فقر مناطق روستایی بیش از فقر در مناطق شهری است. نتایج حاصل از بررسی تغییرات فقر مناطق شهری و روستایی در طی زمان نیز نشان می‌دهد که در برنامه‌های دوم و سوم میزان فقر سرشمار و شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی روند نزولی، اما طی برنامه‌های چهارم و پنجم روندی صعودی داشته است. در اغلب برنامه‌ها (به جز در برنامه سوم و چهارم) میزان تغییرات شاخص‌ها از نظر آماری معنادار است. بنابراین برنامه‌های توسعه باعث تغییر معنی‌داری در شاخص‌های فقر (فارغ از جهت تغییر آن) شده‌اند. در زمینه تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر سرشمار در مناطق شهری و روستایی استان، نتایج تفصیلی فقر سرشمار براساس مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها نشان می‌دهد که بعد از هدفمندی برای هیچ گروهی از خانوارها فقر بهبود نیافته و برای گروه‌های مختلف خانوار میزان فقر سرشمار به شدت افزایش یافته است. هدفمندی همچنین باعث تغییرات ساختاری شده است به طوری که در سال‌های بعد از هدفمندی حتی خانوارهای با سرپرست مرد، با سرپرست دارای تحصیلات دانشگاهی و خانوارهای صاحبخانه نسبت

به قبل آسیب پذیر شده‌اند و برای اولین بار میزان فقر در مناطق روستایی بر فقر در مناطق شهری فزونی یافته است.

در مورد سیاستگذاری در زمینه کاهش فقر نتایج بیانگر آن است که میزان اثرگذاری رشد بر فقر در مناطق روستایی بیش از ۱/۵ برابر مناطق شهری است. در این زمینه نتایج حاصل از مدت زمان ماندن در فقر براساس نرخ‌های رشد فرضی بیانگر آن است که خانوارهای با شکاف فقر حداکثری را تنها با نرخ‌های رشد ۱۲ درصدی آن هم در یک بازه زمانی ۱۰ ساله می‌توان از فقرهایی بخشید. درحالی‌که داده‌های واقعی بیانگر رشد حقیقی منفی درآمد این خانوارها در سال‌های بعد از هدفمندی است. نتایج حاصل از شاخص هدفمندی ثابت سرانه نیز بیانگر آن است که حتی با دوبرابر کردن یارانه‌ها نیز همچنان درصد خانوارهای در فقر مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۳۶ و ۳۰ درصد خواهند بود. بنابراین برای اطمینان از حذف فقر در بین تمام خانوارها برای یک خانوار پنج نفره باید ماهیانه مبلغی برابر با حداکثر شکاف فقر به همگی پرداخت شود که مبلغ آن در سال ۱۳۹۵ برای خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۶۵۶۸۱۱۸ و ۲۸۸۲۶۰۵ ریال است.

نتایج مذکور بیانگر آن است که تعدیل فقر در استان ایلام در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت به وسیله سیاست‌های رشد محور با نرخ‌های رشد تجربه شده قابل حل نیست و نیازمند حمایت‌های جامع‌تر اجتماعی است. از طرف دیگر بعد از هدفمندی، تغییرات ساختاری اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای رخ داده که خانوارهای غیر آسیب‌پذیر قبل از هدفمندی در معرض فقر قرار گرفته‌اند و در حال حاضر نه تنها برای خانوارهای با سرپرست زن و بی‌سواد شکاف فقر عمیق‌تر شده است، بلکه خانوارهای با سرپرست مرد و دارای تحصیلات دانشگاهی نیز در معرض فقر قرار دارند.

## منابع و مآخذ

۱. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، تهران، مرکز آمار ایران.
۲. ارضروم چیلر، نسربین (۱۳۸۴). «گزارش پژوهشی ابعاد گوناگون فقر در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اداره بررسی و سیاست‌های بازرگانی، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره گزارش ۲۷.
۳. افتخاری، سیدفرخ، آیت‌اله کرمی و مهدی نوری‌پور (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ششم، ش ۱.
۴. افتخاریان، یونه و مصطفی سلیمی‌فر (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، ش ۵۴.
۵. انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع کشور (۱۳۸۳). ارزش غذایی کالاهای خوراکی، تهران.
۶. پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس»، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، ش ۳.
۷. حبیب‌پور، کرم (۱۳۷۸). «دور باطل فقر روستایی»، دو ماهنامه علمی ترویجی جهاد (ماهنامه جهاد سابق)، سال ۸، ش ۴۸-۴۷.
۸. خالدی، کوهسار و زورار پرمه (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵)»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۴۹.
۹. خداداد کاشی، فرهاد، خلیل حیدری و فریده باقری (۱۳۸۴). «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۱۷.
۱۰. راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی (۱۳۸۶). «فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴.
۱۱. روستایی، شهرپور، محسن احدنژاد، اکبر اصغری زمانی و علیرضا زنگنه (۱۳۹۱). «الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۸۵-۱۳۷۵»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، ش ۱۲.
۱۲. رشیدی، پیام و علی‌اکبر ناجی‌میدانی (۱۳۹۲). «بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان

- خراسان رضوی (۹۱-۱۳۸۵)»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال چهارم، ش ۱۴ و ۱۵.
۱۳. زیبایی، منصور و مهرداد باقری (۱۳۹۱). «تعیین عوامل مؤثر بر فقر در استان فارس: کاربرد روش اقتصادسنجی فضایی»، مجله اقتصاد کشاورزی، دوره ششم، ش ۱.
۱۴. عمرانی، محمد، ذکریا فرج‌زاده و مجید دهمرده (۱۳۸۸). «عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان»، مجله علمی-پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره اول، ش ۲.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ همراه با اصلاحات ۱۳۶۸ (۱۳۸۲). تنظیم محمدعلی عبدالهی، انتشارات نشاط.
۱۶. یاسوری، مجید و سیده فاطمه امامی (۱۳۹۷). «سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی (نمونه موردی: دهستان سراوان شهرستان رشت)»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، ش ۸۴.
17. Booth, C. (1889). Descriptive Map of London Poverty, Published by London Topographical Society, ISBN: 0902087207.
18. Duclos and Araar (2006). Poverty and Equality: Measurement, Policy and Estimation With DAD Package, Published By Springer, New York, NY 10013, ISBN: 10: 0-387-25893-0 (HB).
19. Haughton and Khandker (2009). Handbook on Poverty and Inequality, the International Bank for Reconstruction and Development, the World Bank, ISBN: 978-0-8213-7613-3.
20. Kakwani, Nanak (1980). "On a Class of Poverty Measures", *Econometrica*, 48.
21. ----- (2000). Poverty, Inequality and Wellbeing with Focus on Mindanao, Asian Development Bank.
22. ----- (2003). Issues in Setting Absolute Poverty Line, Poverty and Social Development Papers, Asian Development Bank.
23. Kakwani, N., Sh. Khandker and H. Son (2004). PRO-Poor Growth: Concepts and Measurement with Country Case Studies, International Poverty Center, United Nations Development Program, Working Paper No. 1.



24. Ravallion, Martin. (1998). Poverty Lines in Theory and Practice, LSMS Working Paper, No. 133, Washington D.C, The World Bank.
25. Rowntree, B S (1901). *Poverty, a Study of Town Life*, MacMillan, London.
26. Rowntree, S. (1941). "Poverty and Progress: A Second Social Survey of York", *The Economic Journal*, Vol. 51, No. 204.
27. Sen, Amartya Kumar (1981). *Poverty and Famines, an Essay on Entitlement and Deprivation*, Clarendon Press, Oxford, U.K.

